

اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی

موسی بیات^۱

مسیح عقیلی^۲

چکیده

هدف: این نوشته تکاپویی است در شناسایی و شناساندن روش آموزش با رویکرد کرامت انسانی از دیدگاه متون و آثار اسلامی. **روش:** روش مقاله، تحلیل اسنادی است که با رجوع به متون اسلامی و آثار دانشمندان مسلمان تحقیق شده است. **یافته‌ها:** آموزش، یک رفتار دارای تأثیر مثبت یا منفی است؛ لذا نیازمند اخلاق است. اخلاق آموزش مفاهیم دینی، هدف، جهت و ابزار و منابع آن، با توجه به منابع اصلی معرفت دینی و لحاظ انسان با تعریف دین که مورد تکریم آفریدگار است، حاصل می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش و انتقال مفاهیم با مهربانی، صداقت، آزادی و به دور از هر گونه اکراه و اجبار، توسط افراد متخصص و خیرخواه، در زمان و مکان مناسب، سازگار با اصل کرامت و شرافت انسان و تقدس آموزش، موجب تعالی انسان در جهت نزدیکی به هدف خلقت و خداگونگی انسان می‌شود. **نتیجه‌گیری:** هر حوزه علمی، هندسه معرفتی خاص خود را دارد که برای دسترسی به هدف، باید آن را رعایت کند. از جمله نیازمندی‌های هر رشته علمی، تبیین هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن است. تبیین موضوعات سه‌گانه مذکور، به بیان هدف، ابزار، منابع و معیارهای آموزش با رویکرد کرامت انسانی کمک جدی و اساسی می‌کند.

واژگان کلیدی: انتقال مفاهیم، اخلاق، کرامت انسانی.

◇ دریافت مقاله: ۹۲/۰۴/۲۶؛ تصویب نهایی: ۹۲/۱۰/۰۲.

۱. دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول)

/ آدرس: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، دانشکده زبان‌های خارجه، دفتر نهاد رهبری در دانشگاه ها

/ نمابر: ۷۷۳۱۷۷۱۹ / Email: Bayat1387@gmail.com

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار گروه معارف اسلامی.

الف) مقدمه

هر حوزه علمی، یک سلسله مراتب معرفتی دارد که بدون شناخت و طی آن، تولید علم حاصل نمی‌شود. هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علم، نیاز اساسی هر حوزه‌ای از علم است (زاهد، ۱۳۹۱: ۲۷). به طور جزئی‌تر، سطوح هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است که تعیین‌کننده مسائل مرتبط با هر حوزه معرفتی است. اینکه واقعیت چیست و ماهیت انسان چگونه تعریف شود، مسیرهای متفاوت معرفتی را به وجود می‌آورد و به الگوهای مختلف علمی نیز منجر می‌شود. (همان)

علم اخلاق آموزش در بخش کاربردی اخلاق مطالعه می‌شود. اخلاق آموزش می‌خواهد به خوب و بدهای عرصه عملی آموزش بپردازد. پس موضوع اخلاق آموزش، شناخت و جذب فضایل و دفع رذایل مسیر آموزش است. چه چیزهایی در آموزش، کیفیت آن، معلم و دانش‌آموز و دانشجو، خوب و پسندیده است و کدام ناپسند؟ پاسخ این سؤال، ما را به عرصه اخلاق کاربردی آموزش رهنمون می‌شود. در اخلاق آموزش می‌آموزیم که در حوزه فکر و عمل، کمال‌یابی و آفت‌زدایی را چگونه انجام دهیم. در این نوشته، سخن بر این پایه استوار است که کیفیت و چگونگی آموزش مفاهیم دینی باید با محور کرامت انسانی انجام شود. برای مثال: عزت نفس، کمال است؛ اما اگر مبتلا به کبر شود، آفت می‌شود؛ و ازین روست که امام سجاده (ع) می‌فرمایند:

«خدایا مرا به کبر مبتلا مکن». (صحیفه سجاده: دعای بیستم)

ب) نکات مورد توجه در اخلاق آموزش

۱. هستی‌شناسی اخلاق انتقال مفاهیم دینی

برای شناخت و زدودن و فزودن رذایل و فضایل اخلاقی و کیفیت اکتساب و اجتناب از آنها به دانش ویژه‌ای نیازمندیم که به آن «علم اخلاق» گفته می‌شود. به بیان دیگر؛ علم اخلاق دانشی است که از صفات و افعال اختیاری انسان از آن جهت که دارای تأثیر مثبت یا منفی در رسیدن به کمال انسانی است و نیز از کیفیت اکتساب صفات و افعال فاضله و اجتناب از صفات و افعال رذیله بحث می‌کند. این علم به نیکو کردن رفتار انسان از آن جهت که انسان است، می‌پردازد (ابن مسکویه، ۱۳۷۵: ۵۵). رفتار نیز آن دسته از حالتها، عادتها، فعالیتها و کنش و واکنشهای نسبتاً پایداری است که از انسان سر می‌زند و همواره قابل مشاهده، اندازه‌گیری، ارزیابی و پیش‌بینی است.

اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی ♦ ۷۹

انتقال مفاهیم، یک رفتار طرفینی است که در مورد انسان باید با لحاظ کردن جایگاه او در منظومه خلقت، به ویژه از نگاه ادیان الهی انجام پذیرد. آموزش در ادیان الهی، صرفاً یک روند یادگیری و انتقال مفاهیم از معلم به شاگرد نیست؛ بلکه روندی مقدس، دارای شرافت و به صورت فرایندی از انتقال مفاهیم، الگودهی عملی و دعوت به دوستی، همراه با صداقت، عدالت و مهربانی است. لذا هم در آغاز فراگیری و هم در به کارگیری علم، باید به اصول انسانی و اخلاقی پایبند بود. اگر علم به اصول اخلاقی و انسانی پایبند باشد، می تواند انسان را به کمال برساند.

عقل و وحی، دو منبع کمکی برای اخلاقی شدن انتقال مفاهیم اند. امام صادق (ع) فرمودند: بندگان به وسیله عقل، عمل نیکو را از عمل زشت بازمی شناسند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۹). بنابر این، رفتار، قابل شناسایی است؛ البته با ابزار خاص خودش، که در مکتب اسلام، بصر و بصیرت (عقل) ابزار شناخت، ارزیابی و تحلیل و پیش بینی رفتار انسانهاست. امام علی (ع) می فرمایند: از میوه های عقل، اخلاق نیکو، سخاوت و حیا، مدارا با مردم، راستگویی، عمل به عدالت و بازداشتن نفوس از پلیدی هاست (تیمی آمدی، ۱۳۶۶). با این تأکید، باز هم عقل و دیگر ابزار شناخت انسان، محدود و ناقص است. نظام اخلاقی ای که سعادت حقیقی انسان را فراهم می کند، مستلزم بالاترین شناخت از خیرات و شرور و مصالح و مفاسد است که تنها به وسیله وحی الهی امکان پذیر است. این نظام اخلاقی، مطلقاً مستلزم وجود خداوند است و بدون خدا، امکان منطقی نخواهد داشت. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱۹۸-۱۹۷) مین نظام اخلاقی که رأس هرم و غایت المراد آن خداست، علاوه بر بیان مفهومی، با ارائه اسوه و الگو، در نگاه مصداقی نیز به معرفی و ترویج فضایل و ردایل می پردازد: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب: ۲۱). امام علی (ع)، پیامبر (ص) را اسوه تأسی کنندگان معرفی فرموده (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، امام حسین (ع)، خود را اسوه و الگوی امت می دانند و می فرمایند: «و لکم فی اسوه» (حسینی تهرانی، ۱۳۷۴: ۲۱) در حقیقت؛ این نشان می دهد که رویه تربیت اخلاقی در دین، مبتنی بر عمل و عینیت است، نه گفتار محض (سجادی، ۱۳۷۵، ۸۵). این نوع آموزش که از طریق دین به انسانها ارائه می شود، بر اساس شالوده اصلی انسان؛ یعنی فطرت کمالجوی اوست. لذا فطرت انسان، بستر آموزشهای دینی و اخلاقی است. انسان از آن حیث که انسان است، سرشتش با اخلاق پیوند خورده و به قول استاد شهید مطهری، یک سلسله اخلاقیات وجود دارد که به دوره بدویت انسان آن گونه صادق است که بر این دوره تمدن صنعتی او (مطهری، ۱۳۷۴، ۵۲۶). او می گوید: اگر خیرخواهی را فطری ندانیم، آنگاه نسبت در احکام اخلاقی به میان می آید (همان: ۴۶۷). پیامبر اسلام (ص) فرموده اند: دلها بر دوستی کسی که به او نیکی کند و دشمنی کسی که به او بدی کند،

سرشته شده است (صدوق، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۸۱). از اینجا می‌توان به ارزش اخلاق در آموزش به طور عام و آموزش مفاهیم دینی به طور خاص رهنمون شد. روش انتقال مفاهیم دینی باید نمایانگر عینیت حقیقی و حقیقتی عینی باشد که خود مرجع ارزشگذاری و ارزشمندی مفاهیم دینی و روش آموزش آنهاست. نگاه و روش آموزش اسلام، احیا و زنده کردن انسان است؛ انسانی که بهترین و گرامی‌ترین مخلوق خداست (اسراء: ۷۰)؛ روحی خدایی دارد (حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲) و هدف غایی او خداگونگی (بقره: ۱۳۸) و رسیدن به اوست (انشقاق: ۶). برای آموزش این موجود با کرامت و شرافت، باید روش متناسب با خودش اتخاذ شود. آموزش دین نیز باید روش دینی و اخلاقی داشته باشد. برای توفیق در انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی، لازم است نگاهی اخلاقی به آموزش داشته باشیم.

۲. معرفت‌شناسی اخلاق انتقال مفاهیم دینی

در روش‌شناسی علوم اسلامی، توجه به منابع اصلی معرفت در اسلام؛ یعنی قرآن و سنت و نیز توجه به نوعی ارزش‌شناسی جمع‌گرایانه در مقابل فردگرایانه لازم است. بنابر این، با رجوع دقیق به قرآن و سنت و منابع معرفت‌شناسی آن، که دارای ارزش‌شناسی‌های خاص خود است، می‌توان به فهم و ارائه دقیق‌تری از علم اسلامی که راهگشای امت باشد، دسترسی پیدا کرد (فاروقی، ۱۳۸۵، ۳۱-۳۰) به نظر فاروقی، «چنین روش‌شناسی‌ای می‌تواند از یافته‌ها و ابداعات روش‌شناسی علم مدرن نیز استفاده کند. از نگاه او، ترکیبی از مفاهیم بنیادی علم سنتی با مسیرهای روش‌شناختی موجود در علم مدرن، ما را قادر می‌کند تا بتوانیم به علم اسلامی در معنای راهگشای آن دسترسی پیدا کنیم». (همان، ۳۷)

مسئله مهم‌تر آنکه، منبع مرجعیت؛ یعنی قرآن کریم، علاوه بر اینکه منبع و روش کسب علم است، مهم‌ترین آنهاست و اعتباریابی علم در اسلام نیز بر اساس رجوع به این منبع بنیادین صورت می‌گیرد. عطاس می‌گوید: «به طور کلی به نظر ما بالاترین سطح مرجعیت را قرآن کریم و سنت و وجود مقدس شخص پیامبر اکرم (ص) دارا هستند. اینها نه تنها به این معنی که حقیقت را منتقل می‌کنند، بلکه به آن معنی که خود حقیقتند، مرجعیت دارند. مرجعیت آنها مبتنی بر سطوح عالی‌تر شناخت عقلانی و روحانی و تجارب متعالی است که نمی‌توان آن را به سطح عقل و تجربه معمولی فرود آورد» (عطاس، ۱۳۷۴: ۲۷). به نظر عطاس، راه نیل به علم و دانش اسلامی، از مسیر آموزش و

اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی ۸۱

پرورش اسلامی می‌گذرد. بنابر این، بررسی نقش و جایگاه آن در اسلام از اهمیتی حیاتی برخوردار است.

هدف و غایت آموزش و پرورش، دریافت میزانی از علم الهی است که بتواند سعادت بشری را تأمین کند. لذا بایستی انسان تلاش کند به میزانی از درک و فهم خویش از این علم دست پیدا کند. راه دسترسی به میزانی از این علم آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش فرایندی است که دارای محتوایی است و این محتوا تعیین‌کننده مفاهیمی است که اسلامی کردن یا غیر اسلامی کردن دانش را رقم می‌زند.

دانش اسلامی بایستی دارای محتوایی باشد که به طور عمده بر معرفت‌شناسی توحیدی از علم و معرفت علمی و هستی‌شناسی توحیدی از جهان و هستی استوار باشد. بنابر این، غایت آموزش و پرورش در اسلام، رسیدن به علم و دانش توحیدی است. معرفت اسلامی، به معنای روش‌شناسی اسلامی استوار و فراگیری است که به هدایت الهی ملتزم باشد و نقش عقل را تعطیل نکند و تجسم اهداف وحی و ارزشهای آن باشد. معرفت اسلامی، معرفتی است که مصدر آن، ارزشهای وحی و اهداف رسالت است و با همه عناصر درست و ارزشمند میراث امت و اندیشه‌ها و متفکران آن در طول عصرها و قرن‌ها مرتبط است. معرفت اسلامی صرفاً یک سلسله ارزشها و اهداف زائیده تأملات فردی یا صرفاً تاریخ و میراث و سنت نیست، بلکه راهی است برای تکوین ذهنیت علمی روشمند در ابعاد علم و معرفت اجتماعی و انسانی و طبیعی و مقایسه‌ای. (فاروقی، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

روش‌شناسی تولید علم و دانش نه تنها خنثی نیست، بلکه مبتنی بر اصول معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی معینی است و بر محتوای معرفت تأثیرگذار است. روش‌شناسی، جوهره اسلامی‌سازی معرفت و معرفت‌شناسی، خاستگاه آن است (خسروپناه، ۱۳۹۱: ۱۷). اسلامی‌سازی روش‌شناسی از راه بازنگری در روش تعامل با قرآن و نقد علوم موروثی قرآنی و بازنگری در روش تعامل با سنت و به طور کلی میراث اسلامی ممکن است. (همان: ۱۸)

۳. انسان‌شناسی اخلاق انتقال مفاهیم دینی

در نگاهی گذرا و عمومی به انسانی که از قرآن شناخته می‌شود، باید گفت؛ انسان قرآن‌شیء نامذکوری است که خالق او جوهره وجودش را با ترکیبی از همه استعدادها در هم آمیخته و از مرتبه نیستی به هستی آورده است (انسان: ۱-۲). قرآن چگونگی این هستی‌یابی را در مراحل مختلف آن به تصویر کشیده (مؤمنون: ۱۵-۱۲؛ حج: ۵؛ ص: ۷۱؛ حجر: ۲۹؛ فرقان: ۵۴؛ مرسلات: ۲۶؛ غافر: ۶۷؛ ...)، در مقابل

اعتراض فرشتگان، اسرار توانمندی انسان را مطرح کرده (بقره: ۳۰) و با اعطای روح الهی به او صبغه ملکوتی بخشیده است. از این رو، خود بر مسند تعلیم بشر می‌نشیند و آنچه انسان لازم دارد به او می‌آموزد (بقره: ۳۱؛ علق: ۵-۳). شیوه آموزش را نیز متناسب شأن انسان رحمانیت قرار می‌دهد (رحمان: ۱)، قدرت استدلال و تفکر را پایه آموزش می‌گذارد (رحمان: ۳) و در مسیر آموزش، ابزار و وسایل آن را نیز در وجود انسان تعبیه می‌کند. (نحل: ۷۸)

اسلام به عنوان مکتبی همه‌جانبه‌نگر، به تبیین عوامل کمال انسان و هدف خلقت او پرداخته است. در متون دینی از موارد متعددی به عنوان هدف خلقت انسان نام برده شده است. برخی از آن اهداف در زمره اهداف متوسط و برخی نیز هدف غایی خلقت محسوب می‌شوند. از به هم پیوستن مجموعه‌ای از اهداف متوسط، هدف نهایی یا غایی ساخته می‌شود. کمال انسان از حیث معرفتی، هدفی است که قرآن کریم به صراحت آن را بیان کرده و می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» (زمر: ۹). کمال در بعد عملی نیز در آیات متعدد قرآن از جمله: بقره: ۱۸۶ (رشد)؛ مائده: ۶ (طهارت)؛ فتح: ۲۰ (هدایت) و ... آمده است.

با توجه به آنچه گفته شد، آموزش و انتقال مفاهیم باید با عنایت به هدف خلقت و زندگی انسان انجام پذیرد تا در نهایت، به آن هدف غایی نایل یا نزدیک شود. بالاخره باید گفته شود که هدف نهایی از آموزش انسان، رساندن او به قرب الهی است. منظور از قرب به خدای متعال، قرب زمانی و مکانی نیست؛ بلکه قرب به خدا، یک معنای حقیقی و وجودی است (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۶). بنابر این، آموزش در این دیدگاه باید بر اساس حفظ کرامت انسانی به عنوان پایه و اساس هدایت و تربیت باشد. آموزش اسلامی بر بستر و پایه اصلی جوهره انسانی؛ یعنی فطرت پایه‌ریزی می‌شود و انسان سوای از هر نوع ویژگی مخاطب و دانش‌آموز مکتب الهی انسانی اسلام است. اخلاق آموزش نیز حرمت و کرامت انسانی را در این حوزه مورد توجه قرار می‌دهد؛ چنانچه خدای تبارک، انسان را تکریم کرده (اسراء: ۷۰) و آموزش او را نیز با کرامت آغاز فرموده است (علق: ۴). این گونه آموزش، هدف خاصی را دنبال می‌کند و در این مسیر، منابع و ابزار متناسب با خود را لازم دارد.

۴. هدف اخلاق، انتقال مفاهیم دینی

هدف نهایی از اخلاقی کردن علم، ساختن انسان است. ساختن انسان نیز بر اساس نتیجه‌ای که از انسان کامل در قرآن و سنت ارائه شده، انجام‌پذیر است. انسان کامل سه وجه عقلانی،

اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی ۸۳

روحي و اجتماعي را با يکديگر و در کنار يکديگر دارد. اگر هدف آموزش و پرورش در اسلام، تعادل در رشد شخصيت انساني باشد، روح بايستي توجه شايسته‌اي از جانب عقل و تفکر دريافت کند. عطاس معتقد است که «اندیشمندان مسلمان در جهان مدرن، آموزش و پرورش اسلامي را به عنوان فرايندي از ايجاد انسان کامل و شخصيت کامل در نظر مي‌گيرند؛ انساني که به عنوان فردي عقلائي، روحي و اجتماعي در نظر گرفته مي‌شود». (عطاس، ۱۳۷۴: ۳۵)

انسان موجودي عقلائي است و سرشت راستين عقل آن است که عقل، جوهری معنوی است که نفس ناطقه از رهگذر آن، حق را از باطل تشخیص و تمیز می‌دهد. ايجاد نوعی معنویت و رسيدن به شناخت دقيق از انسان و نقش و مسئولیت وی در آفرينش، متضمن ايجاد آموزش و پرورش اسلامي است که در آن، ادب و تأديب انسانها زمينه‌اي را ايجاد می‌کند که علم اسلامي ايجاد شود. هدف علم اسلامي، تربيت و هدايت بشر است. تربيت نیز حرکتی است در نفس انسان که مبدء و منتهایی دارد و نیز لوازمی که هر حرکتی لزوماً واجد آن است. «هر حرکتی، امری زماني است، نه آنی، از مبدی به سوی غایت و منتهایی؛ فاعلی دارد که آن را ايجاد می‌کند؛ موضوعی دارد که حرکت را به منزله وصف می‌پذیرد (متحرک) و در نهایت، در مسافتي است. (عبودیت، ۱۳۸۴: ۳۷)

آموزش و انتقال مفاهيم، حرکتی است در راستای اتصاف انسان به موضوع آن علمی که آموزش داده می‌شود و موضوع و هدف علم اخلاق، آموزش خداگونگی است. بدون غایت و مقصد نهایی، شوق و انگیزه‌ای برای آموزش وجود نخواهد داشت. لذا جهت تربیت و آموزش باید شناخته شود؛ جهت آموزش دینی، الی الله و قرب خدای متعال است و کمال هدف علم اسلامي، هدايت به سوی کمال است. کمال هر شیء عبارت است از رسيدن آن شیء به فعلیت و وضعیتی که با آن شیء سازگار باشد. مکتب الهی برای انسان، سعادت‌ی جاودانه و بالاتر از سطح زندگی مادی مطرح می‌کند و هدف آن، خداگونگی و آخرت‌محوری است. چنین جهت و غایتی، نیازمند اخلاق آموزش ویژه‌ای است که ابزار متناسب آن را نیز می‌طلبد.

۵. ابزار و منابع شناخت انتقال مفاهیم دینی

مراد از ابزار شناخت، وسیله کسب معرفت است. این ابزار را می‌توان منابع شناخت نیز نامید. معرفت‌شناسان از چند منبع و راه نام برده‌اند. آیت الله جوادی آملی در «معرفت‌شناسی در قرآن»

می‌نویسد: چهار راه برای شناخت وجود دارد: حس، عقل، تهذیب و کتاب منیر و راه وحی (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۱۶). بنابر این، از جمله راهها و ابزار شناخت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

یک) وحی: معتبرترین راه شناخت که در هستی‌شناسی به آن تکیه می‌شود، روش وحیانی است؛ زیرا در این روش، انسان به عین مقصد دست می‌یابد. اما به واسطه محدودیت دامنه بهره‌وری مستقیم، قابلیت استفاده عام ندارد؛ ولی نتیجه آن در قالب کتاب و سنت در اختیار انسان قرار دارد. بنابر این، نقل ابزار عمومی، دستیابی به معارف وحیانی نیز محسوب می‌شود. از این رو، خداوند به انسان ابزار مورد نیاز برای فراگرفتن و فرادادن را هدیه کرده است. (رحمن: ۳؛ نحل: ۷۸)

دو) فطرت: خلقت خاص بشر، او را به ابزاری توانمند با عنوان فطرت مجهز کرده (روم: ۳۰) و نفس بشر را ملهم خیر و شر ساخته است (شمس: ۸). بدین ترتیب، این ابزار توانمند و قوی در اختیار همه انسانها گذاشته شده و طی طریق کمال به سوی خدا که همان نفس و اصلاح آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۴)، کاری است که هر انسانی بالقوه توان انجام آن را دارد. بنابر این، در آموزش و انتقال مفاهیم باید به این نکته نیز توجه کنیم که انسانها ذاتاً توان تشخیص خوب و بد را دارند.

سه) حس: خدای متعال نوع بشر را به گونه‌ای خلق کرد که هیچ چیز نمی‌دانست و هیچ علم و آگاهی نداشت (نحل: ۷۸). البته مراد از این علم، علوم حسی و اکتسابی است؛ به این دلیل که ادامه آیه، ابزار علم حصولی را معرفی می‌کند. این ابزارها با همه خطاهایی که دارند، در کنار افنده می‌توانند ابزار خوبی برای کسب مواد خام تحلیل عقل باشند.

چهار) عقل: یکی دیگر از ابزارهای خداداد بشر که وسیله‌ای کارآمد در شناخت، کسب و انتقال علوم اکتسابی است، عقل و قوه تعقل است. خداوند در آیات متعددی از قرآن به این ابزار اشاره کرده و به صورت مکرر و مؤکد از انسانها خواسته است که از این ابزار استفاده کنند. در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر کسی شخصی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده است» (مائده: ۳۲). امام صادق (ع) ذیل این آیه فرموده‌اند: اگر کسی شخص منحرفی را هدایت کند، او را زنده کرده و اگر کسی شخصی را منحرف کند، گویا او را کشته است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۱۰)

از نظر قرآن، آموزش اخلاقی به قدری مهم است که آن را قبل از آفرینش انسان مطرح کرده است (رحمان: ۱-۳). تکیه آموزش اخلاقی بر ذات انسانی است؛ لذا اسلام هر گونه قیدوبندی را که مانع آموزش باشد، برداشته است و تأکید بر کرامت انسان دارد. در متون اسلامی عبارات زیادی داریم که به صورت مطلق هر نوع آموزش را مطرح می‌کنند. لذا می‌فرماید از هر کسی که

۸۵ ❖ اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی

به توحکمت می‌آموزد، آن را فراگیر (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) و حکمت را دریاب، ولو از مشرک؛ در هر زمان (نهج‌الفصاحه، عبارت ۲۲۷) و در هر مکان (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۷۷). اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، سودمندی آموزش است که پیامبر اولوالعزم در پی دانش سودمند، پیروی خضر می‌کند تا رشد یابد (کهف: ۶۶).

آموزش مفید و سودمند، روش مفید لازم دارد. انتقال مفاهیم دینی، روش متناسب خود را می‌طلبد که در صفحات گذشته بیان شد. اینک به طور خاص به اخلاق آموزش مفاهیم دینی و معیارهای کرامت انسانی در آموزش می‌پردازیم که به دنبال کسب فضایل و رفع و دفع رذایل در عرصه آموزش است.

۶. معیارهای کرامت انسانی در انتقال مفاهیم دینی

در آغاز لازم است روشن شود که فلسفه کرامت انسان چیست و چه نکاتی در آیه کرامت بیان شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و او را در خشکی و دریا به حرکت در آوردیم و به آنها از روزی‌های پاکیزه بخشیدیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری دادیم.

در این آیه چند نکته بیان شده است:

- این کرامت از آن همه فرزندان آدم است و قید مؤمن، مسلمان و حتی انسان را نمی‌آورد.
- برای این موجود گرامی داشته شده، امکانات، وسایل، فرصت حرکت و جابجایی و رزق پاکیزه بخشیده است.
- به جز گرامی داشتن، بر بسیاری از آفریده‌ها برتری داده است، که نشان می‌دهد کرامت، چیزی سوای برتری است.

تکریم انسان، نهادن ویژگی‌هایی است در این موجود که در دیگران نیست و امری اعتباری یا تنها احترام نیست. از این رو تکریم، معنایی است درونی که به دیگری کاری ندارد و تنها آن موجود، شرافت و عنایت پیدا کرده است و شامل همه، حتی مشرکان و کافران می‌شود (ایازی، ۱۳۹۳). مفهوم آیه، با وضوح هر چه تمام‌تر، استقلال بشر و آزادی او را در دخل و تصرف بر روی زمین آشکار می‌کند. در واقع؛ راههای ترسیم شده برای او و خطوط معرفی شده برای هدایت و رشد

وی، اندرزاها و رهنمودهایی اند که خداوند متعال برای جانشین خود بر روی زمین مقرر داشته است. کرامت برای انسان، یک حق در کنار سایر حقوق نیست که مثلاً گفته شود انسان دارای حقوقی است؛ از جمله: حق حیات، حق کرامت و حق مسکن و ...، بلکه کرامت، هویت ذاتی و سرشت وجودی اوست. بنابر این، کرامت چیزی جز انسانیت نیست و به همین دلیل، هر انسانی، قطع نظر از اینکه دارای چه فکر و عقیده و چه مذهب و آیینی است، صاحب کرامت است. چنانکه در آیه‌ای که از قرآن کریم نقل شد، خداوند به صراحت «فرزندان آدم» را صاحب کرامت معرفی فرموده و برخورداری از این امتیاز را مختص مؤمنان، مسلمانان یا پیروان ادیان الهی ندانسته است.

کرامت، وصف مشترک همه انسانهاست و هیچ فردی از انسان را نمی‌توان از آن استثنا کرد و با همین منطقی است که قرآن کریم، صیانت و حفاظت فرد انسان را، صیانت و حفاظت از انسانیت و از مجموعه انسانها می‌داند: هر کس یک فرد را زندگی بخشد، بسان آن است همه انسانها را زندگی بخشیده است (مانده: ۳۲). از نگاه قرآن کریم، احترام و پاسداشت یک فرد، مقوله‌ای شخصی و فردی نیست، بلکه پاسداشت و حرمت گذاردن به کرامت انسانی است که به همه انسانها ادای احترام شده است. بنابر این، انسان به قدرت خداوند، از جنس کره زمین آفریده شده و از روح خدا در وی دمیده شده است. این تصویری روشن از همه ابعاد وجودی انسان و از وجود شامل و کاملی است که از زمین تا آسمان امتداد دارد. این تعبیر قدرتمند، یادآور کرامت و مقام ارجمندی است که انسان از آن بهره‌مند است. خداوند انسان را بلندترین قله خلقت و والاترین بام دستگاه آفرینش برشمرده است: «و انسان را در بهترین موقعیت آفریدیم». (تین: ۴)

در میان موجودات، خداوند به انسان خصوصیتی داد که با آن می‌تواند به اخلاق خداوندی متخلّق شود. بر همین اساس، انسان را آزاد آفرید تا امکان یابد در مسیر کسب علم و معرفت گام نهد. اسلام، در موارد بی‌شماری از کتاب و سنت، انسان را بر این قابلیت‌ها آگاه کرده است تا به او روحیه ببخشد و او را به مقام گرامی خویش و برتری‌اش بر بسیاری از مخلوقات آگاه کند.

داشتن شخصیت، علم و اندیشه برای انسان، حریمی از مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وجود می‌آورد که تنها با برخورد مثبت و استدلالی و اقتناعی با انسان می‌توان با او تعامل داشت. به عنوان نمونه، اختیار و اراده در انسان، لوازمی را به وجود می‌آورد که بدون اعتقاد و پذیرش قلبی نمی‌توان کاری درست را از او توقع داشت (ابازی، ۱۳۹۳). انسان با کرامت، خود به سوی درک و آموزش کشیده می‌شود، و الا هیچ نوع انتقال از بیرون بدون جاذبه درونی اتفاق نخواهد افتاد. امام

اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی ۸۷

صادق(ع) در مورد علم درون‌خیز به عنوان بصیرت می‌فرماید: اگر خواهان چنین علمی هستی، ابتدا در جان خود حقیقت بندگی را جستجو کن و با کار بست بندگی، علم طلب کن و از خدا بخواه که به تو بفهماند(مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۲۴). چنین آموزشی، معیارهای خاصی دارد که مبتنی بر کرامت نفس انسان است. در ادامه به برخی از معیارهای انتقال مفاهیم بر اساس کرامت انسانی اشاره می‌شود:

یک) اعطایی بودن علم: علم را هدیه الهی بدانیم و باور داشته باشیم همان کس که عالم مطلق و معلم اول است، علم را به ما هدیه کرده و هم او انسان را خلق نموده و به او کرامت داده است. (اسراء: ۷۰)

دو) دوری از غرور: دچار کبر و غرور علمی نشویم و اذعان داشته باشیم که علم ما اندک است که خداوند خالق و معلم انسانها فرمود ما به شما اندکی از علم را دادیم. (اسراء: ۸۵)

سه) صداقت و نیت سالم: این اصل مهم‌ترین قاعده در عرصه علم است؛ چون اگر از این اصل تبعیت نشود، دستیابی به اهداف علم امکان‌پذیر نخواهد بود. انواع مختلفی از بی‌صداقتی علمی به تولید و تحلیل داده‌ها مربوط می‌شود. در نظر گرفتن انگیزه‌ها در تعریف بی‌صداقتی دارای اهمیت است؛ چرا که انگیزه‌ها نقشی کلیدی در ارزیابی ما از رفتار انسان دارد(دیوبندی، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۷). برای تشخیص اینکه آیا دانشمندان رفتار نادرستی دارند یا نه، باید به انگیزه‌ها و مقاصد آنان نیز رجوع کنیم. اگر دانشمندی با قصد فریب دیگران دست به بریدن داده‌ها بزند، می‌توان او را بی‌صداقت نامید؛ اما اگر با قصد ارائه گزارش و شرح روشن از نتایج، دست به بریدن داده‌ها بزند، وی بی‌صداقت نیست(همان: ۱۰۰). پیامبر اسلام(ص) فرمودند: آموزش علم به دیگران برای رضای خدا حسنه است و یادگیری آن، عبادت و گفتگوی علمی، تسبیح. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۴)

چهار) آزادی: عرصه علم باید عرصه آزادی باشد و دانشمندان بتوانند در پژوهش و آموزش مختار باشند. فضای کلاس، پژوهشگاه، مجلات و آزمایشگاهها باید محلی برای طرح ایده‌های نو و انتقال مفاهیم و نظریه‌های جدید باشد. اصل آزادی به چند روش در تحقق اهداف علمی تأثیر مثبت دارد: نخست اینکه، آزادی از رهگذر فراهم آوردن این امکان برای دانشمندان که ایده‌های جدید را پیگیری و روی مشکلات جدید کار کنند، در بسط و توسعه دانش نقش مهم ایفا می‌کند. دوم اینکه، آزادی عقلانی در پرورش خلاقیت علمی سهم بسزایی دارد. خلاقیت علمی در محیط‌های سرکوبگر، استبدادی و بیش از حد منضبط، دچار رکود می‌شود. (همان: ۱۰۷)

خداوند در قرآن کریم در مورد آزادی در آموزش می‌فرماید: عالمان فقط در برابر خدا کرنش نشان می‌دهند (احزاب: ۳۹)؛ دانایان با نادانان مساوی نیستند (زمر: ۹). در هیچ کدام از این آیات، قید یا شرطی برای عالمان و دانشمندان نگذاشته و مطلق دانشمندان را خداترس معرفی کرده و نیز هیچ عالمی را مساوی نادان قرار نداده و نگفته است که مثلاً عالم مؤمن یا با ویژگی دیگر، بلکه هر عالمی و شامل‌تر از آن نیز فرموده است که به هر کسی حکمت داده شود، خیر زیادی به او داده شده است (بقره: ۲۶۹). در اینجا نیز با کلمه «من» کلیت را رسانده است. بنابر این، آموزش باید با آزادی انجام پذیرد.

یکی دیگر از شئون آزادی در آموزش، فرصت انتخاب استاد و شاگرد است. در آموختن و تحصیل به انسانیت و کرامت استاد و دانشجو توجه داشته باشیم و به خاطر ویژگی‌های خاص استاد یا شاگرد، خود را از فعالیت علمی و آموزشی محروم نکنیم. در دین اسلام توصیه‌های زیادی در این زمینه داریم که از هر کسی و در هر جایی و هر زمانی یاد بگیرید. همچنین معلم به خاطر ویژگی خاص دانش‌آموز نباید دانسته‌های خود را کتمان کند، بلکه بر اساس وظیفه انسانی و الهی خود باید آنچه می‌داند را به او منتقل کند؛ البته با ملاحظه شرایط افراد. خداوند در قرآن کریم، کسانی را که کتمان علم و معرفت می‌کنند، لعنت کرده و لعنت کنندگان نیز آنان را لعنت می‌کنند (بقره: ۱۵۹). در جای دیگر، خداوند از کسانی که عالم به کتابهای آسمانی بودند پیمان گرفته تا آن را آشکار نمایند و نپوشانند (آل عمران: ۱۸۷). به این قاعده و معیار در اصطلاح، نشر علم یا گشودگی در علم گفته می‌شود. دانشمندان باید داده‌ها، نتایج، ایده‌ها، شیوه‌ها و ابزارها را به اشتراک گذارند. آنان باید این امکان را برای دیگر دانشمندان فراهم آورند تا کار آنها را بازبینی کنند و در برابر انتقاد و ایده‌های جدید با گشودگی برخورد کنند. اکثر دانشمندان با این نظر موافقت که پوشیدگی در پژوهش باید یک استثنا باشد نه یک قاعده (دیویدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۵). در متون دینی به نشر علم توصیه شده و آن را موجب پاکی علم می‌داند (ذکات العلم نشره). لذا فرصت استفاده از منابع علمی یا پیشرفت کردن در حرفه علمی نباید به ناحق از دانشمندان دریغ شود. اصل فرصت نیز با گشودگی و نشر علم مرتبط است. این اصل نیز تأکید بر استفاده بدون محدودیت عقلانی می‌کند. اصل فرصت تلویحاً بیان می‌کند که در عرصه علم باید مانع تبعیض شد؛ زیرا فرصتهای افراد به دلیل تبعیض به ناحق از آنان سلب می‌شود. از این رو، دانشمندان نباید بر اساس نژاد، جنسیت، ملیت، تابعیت، سن یا ویژگی‌های دیگر که مستقیماً با شایستگی علمی ارتباط ندارند، نسبت به همکاران فعلی یا آتی خود تبعیض قائل شوند. (همان: ۱۱۵)

۸۹ **◆** اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی

پنج) زمان و مکان: اگر زمان و مکان آموزش با شئون و حالات انسان سازگار نباشد، نه تنها انتقال مفاهیم موفقیت‌آمیز نخواهد بود، بلکه موجب تحقیر و رنجش انسان می‌شود و با مخدوش شدن کرامت نفسانی او، تأثیرگذاری و رشد که هدف آموزش مفاهیم دینی است، محقق نخواهد شد. خداوند قرآن را در بهترین شب نازل کرد (قدر: ۱) و با بهترین حالت انسانی آموزش داد. (رحمان: ۱)

۷. آموزش بدون اجبار و اکراه

ما موظف به انتقال مفاهیم دینی و رسوخ دادن پیام به مخاطبان هستیم، اما نمی‌توانیم با تحمیل و اجبار به انسانها آموزش دهیم. لذا باید توان، استعداد و علاقه‌مندی دانشجو و استاد در فعالیت آموزشی در نظر گرفته شود و به اندازه فهم و توان دانشجو آموزش داد. خداوند می‌فرماید: ما هدایت می‌کنیم؛ بعضی تشکر می‌کنند و بعضی کفران می‌ورزند (انسان: ۳). به هیچ کسی بیشتر از توانش تکلیف نمی‌کنیم (اعراف: ۴۲). از زبان بندگان نیز می‌فرماید: خدایا آنچه ما توان تحمل آن را نداریم به ما تحمیل مکن (بقره: ۲۸۶). قرآن به پیامبر (ص) می‌فرماید: حق اجبار و سلطه بر مردم را نداری (غاشیه: ۲۲) و خدا اگر می‌خواست با زور و اجبار هدایت کند، همه شما را هدایت می‌کرد (نحل: ۹). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: من حق تحمیل چیزی را که دوست ندارید به شما ندارم. (نهج البلاغه: کلام ۲۰۸)

۸. نیکو سخن گفتن

از آشکارترین دستورات روش آموزش، نیکو سخن گفتن و معتدل و منطقی بودن کلام و نیز گفتگوی طرفینی است (نحل: ۱۲۵). این دستور نه تنها شیوه آموزش و گفتگو را بیان می‌کند، بلکه به یک موضوع روان‌شناسی نیز اشاره دارد و آن، شناخت انواع مخاطب و آشنایی با روح و روان دانشجویان و انتخاب شیوه آموزش متناسب با هر کدام از آنهاست. برخی از افراد، ذهن و روان منطقی و استدلالی و بر عکس، برخی روحيات توصیفی و توصیه‌ای دارند؛ برخی شنوندگان خوبی‌اند و بعضی اهل گفتگو و مذاکره؛ عده‌ای مطالب استوار و محکم، ولی خشک و کلی را می‌پذیرند و برخی پندهای لطیف و روح‌نواز را. بنابر این، باید مخاطب‌شناسی آموزش هم داشته باشیم. خداوند همه انسانها را دوستدار سخن نیکو و ملایم خلق کرده و حتی در مقابل مستکبرترین افراد هم توصیه به سخن ملایم می‌کند: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَیِّنًا» (طه: ۴۴). این نکته نیز در این آیه وجود

دارد که حتی فرعون نیز کرامت دارد. بنابر این، سخن نیکو و ملایم، با طبع و فطرت انسانها سازگارتر است.

۹. خشیت نه خشونت

سرهنگ لطیف خوی دلدار بهتر ز فقیه مردم آزار (گلستان سعدی، ۵۷۶)

از اخلاق آموزش که کرامت انسان را در مراتب بالایی ارج می‌نهد، خشیت و افتادگی در برابر خداست. کسی که خداشناس‌تر باشد، خدا ترس‌تر نیز می‌باشد (من کان بالله اعرف کان من الله اخوف). اما این خداترسی و خشیت به رب، نباید موجب خشونت به عبد باشد و برای اعلام خداترسی، خلق را بترسانیم. آنان که رسالت الهی را بر عهده دارند، فقط در برابر خدا خشیت دارند نه کسی دیگر (احزاب: ۲۹). در مصداقیابی این ویژگی، انبیا و اولیا نمونه‌های عینی خوبی‌اند. نوح با پسر خود و ماده پرستان (هود: ۳۶، ۴۲، ۴۵)، ابراهیم با پدرش و ستاره پرستان (انبیا: ۵۲؛ مریم: ۴۲؛ متحنه: ۴) و موسی با فرعون و شخصیت پرستان (مائده: ۲۰؛ ابراهیم: ۵، ۶، ۸...)، نمونه‌هایی از این تفکرند که با تمامت خشیت در مقابل خدا، بدون هیچ خشونتی با خلق، به آموزش توحید پرداختند و به اندازه فهم آنها از آنها مطالبه کردند که خداوند می‌فرماید: «فأقرأوا ما تيسر من القرآن» (مزل: ۲۰). این دستور جامع، شامل هر نوع توان و هر اندازه از قرآن است که آنقدر که می‌توانید قرآن بخوانید.

۱۰. تدریجی بودن آموزش

در آموزش و انتقال مفاهیم نباید انسانها را به عنوان دستگاههای ضبط و تکرار لحاظ کنیم، بلکه آنان انسانهایی‌اند با شرایط و حالاتی متغیر، خستگی، نشاط، آمادگی ذهنی و قلبی و روانی و اجتماعی و دیگر احوال انسانی که باید در نظر گرفته شوند. خداوند در تبیین احکام اسلامی، تدریج و آموزش دادن مرحله به مرحله را عملیاتی کرده است. در طرح ممنوعیت شراب، حد و مراتب طرح کرده است. در مرحله اول می‌گوید از میوه می‌شود روزی نیک و همچنین محصولی مست‌کننده گرفت (نحل: ۶۷). با این بیان، آگاهی می‌دهد که شراب، مست‌کننده است و روزی نیک و زیبا نیست. در مرحله بعد، از خوردن شراب به هنگام عمل عبادی نماز منع می‌کند تا بدانند چه می‌گویند (نساء: ۴۳). این منع نیز نکات ظریفی دارد؛ اینکه در مقام مواجهه با بزرگان و گفتگو با دیگران باید متوجه کلام و سخن خویش باشیم و بدانیم چه می‌گوییم. در مرحله دیگر می‌گوید شراب و قمار، منافع مادی دارد، اما ضررش بیشتر است (بقره: ۲۱۹). پس انسان در آموزش تدریجی هم باید اهم و مهم کند که چه چیزی را به دست آورد و چه چیزی را از دست بدهد؛ کدام علم را

اخلاق انتقال مفاهیم دینی با رویکرد کرامت انسانی ♦ ۹۱

یاد بگیرد و برای کدام علم عمر تلف نکند؛ کدام مطلب و علم منفعت بیشتر، مداوم‌تر و مفیدتر دارد، آن را انتخاب کند. در نهایت می‌فرماید: این عمل؛ یعنی مصرف شراب، عنصری پلید و شیطانی است (مانده: ۹۰).

ملاحظه می‌شود که در اخلاق آموزش مفاهیم دینی این روش، توجه به شأن انسان و کرامت ذاتی اوست که حتی عمل زشت او را یکباره و عریان به روی او نمی‌آورد و اندک اندک او را متوجه عمل اشتباه خود می‌کند. معلم و متعلم باید این شیوه زیبای اخلاقی قرآن را رعایت کند. در چنین روشی، دانشمندان و دانشجویان متوجه مسئولیت خویش و شرایط علم و جامعه علمی می‌باشند. آموزش تدریجی با حفظ حرمت طرفین، به دو طریق می‌تواند صورت پذیرد: نخست اینکه، [دانشمندان] باید آموزش غیر رسمی را از راه سرمشق شدن و مربی‌گری و نیز به یاری درگیر کردن دانشجویان در بحثهای دوستانه درباره اخلاق ترویج کنند. احتمالاً حجم عظیمی از دانش اخلاقی در وادی علم به طرق غیر رسمی و تقریباً از خلال القای تدریجی کسب می‌شود (دیوبندی، ۱۳۹۲: ۲۸۶). دوم اینکه، آموزش رسمی نیز لازم است تا روش آموزش کامل شود.

۱۱. متخصص بودن استاد

معلم باید در رشته تدریس و آموزش خود متخصص باشد. قرآن می‌فرماید: معلم دین باید متخصص بوده، دانش عمیق داشته باشد (توبه: ۱۲۲). این یک قاعده عام بشری است و شاید بتوان گفت یک سنت تکوینی الهی است که در کل جهان جانداران جاری است. همه موجودات از افراد متخصص خود در مسیر زندگی استفاده می‌کنند؛ اگر چه این استفاده، مراتب و مراحل مختلفی دارد. انسانها نیز برای انتقال مفاهیم و آموزش آموزه‌های آیین خود از متخصصان استفاده می‌کنند تا با معلمان و آموزشهای ناقص، انحرافی و ناشایست، موجب تباهی عمر و جوانی و دین دانشجو نباشند. ماجرای موسی و سحره در قرآن نمونه بارزی از استفاده از تخصص و مهارت در گفتگو و مناظره علمی است که موسی (ع) در سخن گفتن، برادر خود را فصیح‌تر می‌داند (قصص: ۳۴) و فرعون، سحره متخصص شهرهای مختلف را برای انتقال مفاهیم آیین سحر و دین خود جمع می‌کند (شعراء: ۳۸-۳۷)؛ چون نمی‌خواهد به شعور و کرامت بینندگان و شنوندگان اهانت شود. (شعراء: ۳۶)

۱۲. عدالت در آموزش

رعایت اعتدال و میانه‌روی در هر امری پسندیده و مطلوب است. در روش آموزش و انتقال مفاهیم نیز باید اعتدال در رفتار، گفتار و دیگر شئون آموزش را رعایت کرد. امام صادق (ع) به

حسان که آموزگار بود، فرمودند: برای تعلیم، پاداش مگیر و دانش آموزان در آموزش، نزد تو مساوی باشند و برخی را به برخی ترجیح نده. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۴)

یکی از موارد افراط و تفریط در آموزش، فخر فروشی یا شکسته‌نفسی غیر عقلانی در علم است. ما نباید به علم و دانش خود مباحثات کنیم. امام باقر(ع) فرمودند: اگر کسی دانش آموزد تا به مباحثات بین علما پردازد و در بین سفها پیروز شود یا نظر مردم را به خود جلب کند، جایگاهش آتش است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۷). از سوی دیگر، دانسته‌های خود را نیز بی‌اهمیت یا کم جلوه ندهیم و در جایی که لازم است باید علم خود را آشکار کنیم. دستور دینی ماست که به هنگام ظهور بدعتها، عالمان باید علم خود را بروز دهند. افراط در عالم‌پنداری خود یا تفریط در دانشمندی، هر دو زیان‌آور است و آموزش را دچار آفت می‌کند. لذا آنجا که باید عالمانه حضور پیدا کنیم، عقب‌نشینی و آنجا که علم نداریم، ورود پیدا نکنیم و از گفتن «نمی‌دانم» نهراسیم. خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که بگوید من زمان وقوع قیامت را نمی‌دانم (جن: ۲۵). فرشتگان نیز به خداوند عرض می‌کنند که ما علم نداریم مگر آنچه تو آموختی (بقره: ۲۲) و نیز پیامبر(ص) می‌فرماید: زمان قیامت را نمی‌دانم و آن از علوم منحصر الهی است (اسراء: ۸۵).

دانشجویان نیز باید رعایت اعتدال در آموزش را داشته باشند. دانشجو باید با در نظر گرفتن اصل پرسشگری و نه مجادله، سؤالات خود را مطرح کند. امام باقر(ع) فرمودند: درباره دانش به چهار نفر پاداش داده می‌شود: پرسنده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوستدار آنان (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۴). اما پرسشگری نباید محلّ آموزش باشد. وظیفه اصلی دانشجو، تقدّم گوش دادن به سخن گفتن است. علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: از حقوق عالم این است که از او زیاد نپرسی و لباسش را مگیری ... اقوالی که مخالف قول اوست، از این و آن نقل مکن ... چرا که مثل عالم، بسان ابری است که انتظار می‌کشند از آن قطره‌ای بیفتد (همان: ۳۵۰). امام باقر(ع) نیز فرمودند: چون با عالمی نشستی، بر شنیدن، بیش از سخن گفتن حریص باش و خوب شنیدن را بیاموز، چنان که نیک گفتن را می‌آموزی (همان). امام علی(ع) نیز از نشانه‌های عالم، به علم، حلم و سکوت تأکید کرده‌اند. (همان: ۳۵۳)



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۹). تهران: علمی فرهنگی. چ هجدهم.
- ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). تطهیر الاعراق. ترجمه موسوی زنجانی. تهران: چاپ ابوالقاسم امامی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸). چهل حدیث. تهران: رجا.
- ایازی، محمد علی (۱۳۹۳). «حدیث وحی». (www.ayazi.net).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). معرفت شناسی در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات. قم: اسراء، چ بیست و هفتم.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). لمعات الحسین. مشهد: علامه
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱). «تبیین و تحلیل نظریه اسلامی سازی معرفت از دیدگاه فاروقی و علوانی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، بهار، ۵۰، ۳.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۱). تفسیر موضوعی نهج البلاغه. قم: معارف.
- دیوبندی، رسینیک (۱۳۹۲). اخلاق علم. ترجمه مصطفی تقوی و محبوبه مرشدیان. قم: معارف.
- زاهد، سعید (۱۳۹۱). «اسلامی سازی دانش از دیدگاه عطاس و فاروقی». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۵۰ (بهار): ۲۷.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۵). فرهنگ علوم فلسفی و کلامی. تهران: امیرکبیر.
- شریفانی، محمد و محسن قمی (۱۳۹۱). «مبداء و منتهای تربیت انسان». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۵۰ (بهار): ۱۰۳.
- صدوق، محمد (۱۳۷۵). من لایحضره الفقیه. قم: اسلامی، چ سوم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان. قم: اسلامی.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۴). درآمدی بر فلسفه اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- عطاس، سید محمد نقیب (۱۳۷۴). جهان شناسی اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- فاروقی، اسماعیل (۱۳۸۵). توضیحاتی فاگزیر. ترجمه مجید مرادی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فنایی اشکوری، محمد (۱۳۸۴). دانش اسلامی و دانشگاه اسلامی. قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- کلینی، محمد (۱۳۶۵). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار. بیروت: الوفا.

۹۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۸

- محمدی، مسلم (۱۳۹۲). اخلاق کاربردی (جزوه کلاسی). مقطع دکتری مدرسی معارف اسلامی. دانشگاه تهران: پردیس فارابی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

